

باز باران با ترانه
با گُهرهای فراوان
می خورد بر بام خانه
یادم آمد روز باران
گردش یک روز دیرین
خوب و شیرین
توی جنگل های گیلان
کودکی ده ساله بودم
شاد و خرّم
نرم و نازک
چُست و چابک
با دو پای کودکانه
می دویدم همچو آهو
می پریدم از سرِ جو

دور می گشتم زخانه
می شنیدم از پرنده
از لبِ بادِ وَزنده
داستان های نهانی
رازهای زندگانی
برق چون شمشیر بران
پاره می کرد ابرها را
تندر دیوانه، غرّان
مشت می زد ابرها را
جنگل از باد گریزان
چرخ ها می زد چو دریا
دانه های گرد باران
پهن می گشتند هرجا
سبزه در زیر درختان
رفته رفته گشت دریا
توی این دریای جوشان
جنگل وارونه پیدا

بس گوارا بود باران!
به! چه زیبا بود باران!
می شنیدم اندر این گوهرفشانی
رازهای جاودانی
پندهای آسمانی
بشنو از من، کودک من
پیش چشم مرد فردا
زندگانی، خواه تیره،
خواه روشن
هست زیبا،
هست زیبا،
هست زیبا!

گلچین گیلانی

پاسخ صفحه به صفحه درس فارسی پایه چهارم؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی

کلمه های هم‌خانواده زیر را بخوانید و به معنی آنها دقت کنید.

شبیه: یعنی مانند و مثل ← مداد من شبیه مداد تو است.

تشبیه: مانند کردن، شبیه کردن ← کارهای این دانش آموز را می‌توان به کارهای دانشمندی تشبیه کرد.

شباهت: مانند بودن، شبیه بودن ← این قصه شباهت زیادی با آن داستان دارد.

گاهی در متن برای بیان زیبایی و چگونگی چیزی آن را به چیز دیگری تشبیه می‌کنند.

مانند: برق چون شمشیر بران پاره می‌کرد ابرها را

(یعنی رعد و برق مانند یک شمشیر تیز ابرها را تکه تکه می‌کرد)